



#### ضمایر [ما]

عکس‌ها و خبرهای منتشرشده از اکران فیلم‌های جشنواره فجر، حکایت از رعایت‌نشدن پروتکل‌های بهداشتی دارد

#### سینمایی‌های حرف‌گوش‌نکن!

در حالی که جشنواره فیلم فجر با وضع پروتکل‌های بهداشتی و تاکید ویژه بر رعایت آنها در حال فعالیت است، عکس‌ها و خبرهایی که از اکران فیلم‌های این جشنواره مخابره می‌شود نشان‌دهنده آن است که برخی سینمایی‌ها به این پروتکل‌ها کاملاً بی‌توجهند. در روزهای گذشته که حتی خانه سینما هم اعلام کرد «به دلیل بحران شیوع بیماری کرونا و نگرانی برای سلامتی»، بلیت جشنواره فیلم فجر امسال را میان اعضایش پخش نمی‌کند، شاهد این هستیم که در اکران‌ها به پروتکل‌های بهداشتی معمولاً بی‌اعتنایی می‌شود.

رعایت‌نشدن پروتکل‌های بهداشتی بیش از سایر سینماها در برج میلاد دیده شد چراکه نشست‌های عوامل فیلم‌ها در این مکان برگزار می‌شد. این‌در حالی است که برخی از سینماها نظیر پردیس ملت که جمعیت کمتری در آن به تماشای فیلم‌ها نشست بودند، بیشتر در چارچوب دستورالعمل‌های بهداشتی عمل می‌کردند.
بنابراین می‌توان نتیجه گرفت رعایت‌نشدن دستورالعمل‌ها بیشتر توسط عوامل فیلم‌های امسال جشنواره بوده که این مساله بسیار نگران‌کننده خواهد بود.
خصوصاً در شرایطی که کشور چند ماهی را درگیر این ویروس و شرایط خاص ناشی از آن بوده و در حال حاضر آمارها رو به بهبود و کاهش گسترده آمار مبتلایان می‌رود.

از حواشی تاثیرگذار و جالب‌توجه جشنواره در این زمینه این است که در روز اول نمایش فیلم‌ها برای اهالی رسانه و مردم، ویدئویی از پرویز پرستویی و عادل فردوسی‌پور که برای تماشای فیلم «بی‌همه چیز» به کاخ جشنواره رفته بودند، منتشر شد که در آن این دو سلبریتی سینما و صداوسیما یکدیگر را در کاخ جشنواره در آغوش گرفته بودند. این ویدئو با واکنش‌های منفی فراوانی در فضای مجازی روبه‌رو شد و عده زیادی از کاربران به رعایت‌نکردن پروتکل‌های بهداشتی توسط دو نفر از اشخاص شناخته‌شده رسانه اعتراض کردند.

از جمله کسانی که به رعایت‌نشدن پروتکل‌ها توسط اهالی رسانه اعتراض کرد، فرزاد حسنی، مجری شناخته‌شده کشور بود. او در متنی نسبت به رعایت‌نشدن فاصله‌گذاری اجتماعی در سینمای اهالی رسانه واکنش نشان داد و نوشت: «دقیقا با شما هستم! هنر نجات‌دهنده است نه مبتلاکننده. هنر

تعهد داره، بی‌قید و لایبالی نیست. هنر، تجارت و منفعت نیست، شرف است. همکاران عزیزم! در تمام آن ساعاتی که زل زدید به پرده‌نقره‌ای، چشم‌های کریم اکبری‌مبارکه، پرویز پورحسینی، روح...، رجایی، مهرداد میناوند و هزاران اسم آشنا و غریبه مقابل چشمان‌تان باشد. یادتان باشد حاصل رنج و رعایت و جان‌چه انسان‌هایی را به هدر دادید. باز هم در صفحات اجتماعی‌تان سنگ مردم را به سینه بزنید، **ما** هم باور می‌کنیم.»



#### تئاتر شهرزاد میزبان ۴ اثر نمایشی

پردیس تئاتر شهرزاد با اتمام تعطیلات کرونایی تئاتر، با اجرای چهار اثر نمایشی در سالن‌های گلابیل، ارکیده و صنوبر فعالیت خود را از سرمی‌گیرد و میزبان چهار نمایش جدید خواهد بود. به گزارش ایسنا، براساس اعلام روابط‌عمومی پردیس تئاتر شهرزاد، در دور جدید اجراهای پردیس تئاتر شهرزاد، چهار نمایش «مخلفیم»، «دور از دسترس اطفال نگهداری شود»، «کالدشکافی یک ذهن زیبا» و «حصار» در این مجموعه روی صحنه خواهد رفت.



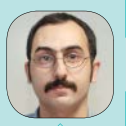
#### اجرا بر فراز برج آزادی

نمایش دیوار آسمان sky wall کاری از گروه تئاتر بدن دیوانه به نویسندگی، طراحی و کارگردانی یاسر خاسب بر فراز برج آزادی اجرا خواهد شد. یاسر خاسب این اثر را به یاد و احترام اسطوره‌ها، قهرمانان و شهدای این سرزمین اجرا می‌کند. این هنرمند حوزه فیزیکال تئاتر در توضیح کوتاهی درباره این اثر نوشته است: «گرچه جاده ابریشم، بردامان مادر سنگ‌نبشته کوه، در گذر زمان از روی خط افق، با محور گردش‌ی حول حائل عمود، به مهر و نیل‌نامی میهن و صلح جهان می‌جنگد.

## تقریبا بی‌همه چیز!

درباره فیلم‌های «رمانتیسم عماد و طوبا» و «بی‌همه چیز»

که انتظارات را برآورده نکردند



علی‌رستگار

سینما

کارگردان دو فیلم خوب خسته نباشید و سدمعبر را در دو فضای کاملاً متفاوت ساخته بود اما متأسفانه تماشای دو فیلم تازه این دو کارگردان به جز لحظاتی در مجموع با سرخوردگی همراه بود.

### رمانتیسم عماد و طوبا

کاوه صباغ‌زاده همچون فیلم اولش ایتالیا ایتالیا در دومین فیلمش رمانتیسم عماد و طوبا هم سراغ اقتباس ادبی رفته؛ البته شاید کلمه برداشت آزاد درست‌تر باشد. فیلم اول با نگاهی به اثری از جومپا لاهیری نوشته و ساخته شد و این دومی براساس اثری از آن دوایتن. هر دو فیلم به آشنایی و عاشقی و زندگی مشترک می‌پردازند.

بازیگوشی و کم‌دی در هر دو فیلم به چشم می‌خورد و در رمانتسیم عماد و طوبا بیشتر، منتهی هرچقدر از این مواد و مصالح در ایتالیا ایتالیا خوب استفاده شد و آن شیمی رابطه شخصیت‌ها خوب از کار درآمد، در رمانتیسیم عماد و طوبا یک جای کار می‌لنگد و آن شور و حال فیلم اول در آن کمتر به چشم می‌خورد. آشنایی عماد و طوبا گرچه تا حدودی بانمک است و با خفگی عماد اتفاق می‌افتد اما بیشتر بخش‌های اولیه و آشنایی و عشق آنها پیش از این‌که به رمانتیسیم راه دهد، به لوسیسیم (کلمه‌ی من‌درآوردی به معنای لوس بودن) راه می‌دهد. این فضا به بهترین شکل در فیلم ایتالیا ایتالیا تجربه شده و این فیلم، دست‌آورد تازه و جذابی در این زمینه ندارد. فیلم با وجود تمرکز روی برخی جزئیات و ایجاد بعضی از لحظات احساسی خوب، چندان تکلیف مخاطب را روشن نمی‌کند که با چه اثری روبه‌روست؛ نه در آن چیزی که ادعا می‌کند یعنی فضای فانتزی درست و کامل عمل می‌کند (بال درآوردن و پرواز عماد و طوبا به وقت خطر این توقع را در مخاطب به وجود می‌آورد) و نه در فضای کم‌دی رمانتیک و برای چنین مسیری هم ابزار لازم را ندارد و خطر پذیر عمل نمی‌کند. کمی ارجاعات سینمایی در فیلم می‌بینیم که تا حدی کشف آن برای مخاطبان شیفته سینما جالب است؛ از جمله سکانس حضور عماد و طوبا در آسمان نمای گنبد مینا که ما را به یاد گشت‌وگذار عاشقانه جیم و جودی (جیمز دین و ناتالی وود) در مرکز ستاره‌شناسی می‌اندازد یا آن تصویر آذری هپی‌بورن و گری کوپر در فیلم عشق در بعد از ظهر اما گاهی در همین فضا هم زیاده‌روی‌هایی صورت



می‌گیرد، مثل تاکید بیش از حد و بی‌کاربرد روی کتاب فیلم‌نامه جویندگان که عماد در کافه مشغول مطالعه آن است. علی‌انصاریان که از روی شغلی عاجل برای او داریم هم در فیلم نقش پدر طوبا را بازی می‌کند که همراه عاشقی دخترش است. با این‌که این بهترین و کنترل‌شده‌ترین بازی او در سینماست اما اتفاقاً در چنین فضایی بیشتر می‌طلبید از همان شوخ‌طبعی آشنا و رسانه‌ای و «عموحسن» و آرا و استفاده می‌شد. ضمن این‌که در فیلم‌نامه و شخصیت‌پردازی هم که شوخی و جدی شخصیت معلوم نیست هم این ظرفیت را داشت اما صباغ‌زاده به این سمت نمی‌رود. رمانتیسم عماد و طوبا یک الهاز حبیبی خوب دارد که اگر لوس بازی‌های عاشقانه‌اش را در اوایل فیلم تحمل کنیم در سنن میان‌سالی و به‌ویژه در چالش‌ها با عماد، بازی متفاوت و درستی ارائه می‌دهد که نشانی از حضورهای او در آثار سینمای تجاری ندارد.

دومین فیلم صباغ‌زاده با وجود امتیازاتی از جمله عشق و علاقه‌اش به سینما و ادبیات که به مخاطب منتقل می‌شود در مجموع کم‌وکاستی‌ها و حتی زیاده‌روی‌هایی دارد که به فیلم لطمه می‌زند؛ یکی همین روایت فیلم از سوی سارا بهرامی است که نقش اول زن ایتالیا ایتالیا را بازی می‌کرد. با این حال تلاش صباغ‌زاده برای فیلمی با مضمون حفظ عشق و لزوم پایبندی به خانواده ارزشمند است و می‌توان آن را به عنوان تلنگری نرم در نظر گرفت.



#### بی همه چیز

یک فضای سرخوشانه در فیلم خسته نباشید و یک فضای تلخ و جدی اجتماعی در سدمعبر و همکاری در نگارش فیلم‌نامه فیلم قصر شیرین، به خوبی نشان از توانایی محسن قرایی دارد. وقتی این پشتوانه را در کنار ترکیب پرچهره بازیگران فیلم همچون پرویز پرستویی، هدیه تهرانی، هادی حجازی‌فر، مهتاب نصیرپور، باران کوثری و... قرار می‌دهیم، میزان توقعات و امیدواری‌ها به سقف می‌رسد اما متأسفانه بی همه چیز با وجود برخی امتیازات، یکی از بزرگ‌ترین سرخوردگی‌های این دوره جشنواره را همان سرچراغی ایجاد کرد؛ البته به نظر می‌رسد بی همه چیز یکی از فیلم‌های متناقض این دوره باشد چرا که در همین دو روز، نظرات بسیار متفاوتی درباره آن مطرح شده و حتی به نقدهای ستایش‌آمیزی هم برخوردیم.

اما اگر نظر ما را بخوایید، حامل خبر خوشی نیستیم. هرچند تلاش قرایی برای اقتباس از نمایشنامه مشهور «ملاقات بانوی سالخورده» نوشته فردریش دورنمات و روایت قصه در فضایی ایرانی، چالشی ارزشمند است اما به جز لحظاتی و بخش‌های اولیه در کلیت به بار ننشسته و حتی می‌توان بی همه چیز را در ده‌بندی سه فیلم قرایی در تبه سوم قرار داد. به‌ویژه سکانس‌های پایانی فیلم و سخنرانی نجسب امیرخان (پرستویی) و تلاش برای تغییر پایان‌بندی قصه اصلی، تیر خلاص را به بی همه چیز می‌زند و آن نیت و تلاش و اندک امتیازات کار را هم به باد می‌دهد.

خیانت مردم روستا و پشت‌کردن به قهرمان‌شان (امیرخان) و مبادله جان او با ثروت و رفاه وعده داده‌شده از سوی لی‌لی نظریان (تهرانی) و بحث اخلاقیات که قرایی به آن اشاره می‌کند، گرچه



مخوف و قابل بررسی است و می‌تواند به فرامتن هم راه دهد اما شاید اشکال از ظرف روایتی قرایی باشد که تحمل وزن منظروف و اثر بزرگ دورنمات را ندارد و با وجود تلاش برای برخی فضاسازی‌ها ایرانی نمی‌شود و به‌ویژه شرط لی‌لی یعنی کشتن امیر به شدت از جهان فیلم بیرون می‌زند، درحالی‌که این شرط بسیار با جهان غریب و مخوف و غیر رئالیستی نمایشنامه دورنمات (شهر گوان) سازگار است.

نقش لی‌لی اگر کمی در متن و اجرا پیچیده‌تر بود، ممکن است تهرانی را به سیمرغ دیگری برساند اما حالا به نظر تنها به زیبایی اثری او و چشمه‌هایی از بازیگری‌اش پسنده‌شده و بازی‌اش در مقام مقایسه نسبت به نمونه‌های تئاتری این متن و این شخصیت یعنی گوهر خیراندیش و پانته‌آ پناهی‌ها در مقام پایین‌تری قرار می‌گیرد.

پرستویی هم بازی‌های بهتر از این داشت. در ضمن ضرورت استفاده از بازیان کوثری با آن گرم‌غریب و زشت‌نمایی هم مشخص نیست. هرچند اگر برخی مخاطبان و حتی داوران نسبت به آن ذوق زده شدند، به ما خرده نگیرید. بازی‌های بابک کریمی، فرید سجادی حسینی و لاله مرزبان اما به اندازه و خوب است.

درخشان‌ترین حضور فیلم هم مربوط به هادی حجازی‌فر است که تردید و چالش همراهی با امیر یا لی‌لی به خوبی در بازی‌اش نمایان است، به‌ویژه آنجا که از مردم می‌خواهد انگشت‌های رای‌شان به قتل امیر را بالا بیاورند و نشان دهند.

جایگزین شهاب حسینی شد، چند سال قبل از شهرت در سینما، نمایش زنده-عروسکی ملاقات بانوی سالخورده را کارگردانی کرده بود که اثر به مراتب‌تر بهتری از بی همه چیز بود.



#### موسیقی [دنگ]

#### بازخوانی نقد شعر مدرن در «وزن دنیا»

شماره دوازدهم مجله «وزن دنیا» با تیتیر یک «جنگل شوکران‌ها» بازخوانی تاریخ نقد شعر مدرن در ایران منتشر شد.

در این شماره وزن دنیا می‌توانیم از شاعران استان‌های تهران، آذربایجان غربی، البرز، ایلام، خوزستان و سمنان شعر بخوانیم. علاوه بر این در دو بخش «هم‌زبانان» و «کارگاه وزن دنیا»، بخش اول بازتاب‌دهنده شعر شاعران فارسی‌زبانی از کشورهای افغانستان، تاجیکستان و هندوستان و بخش دوم منعکس‌کننده شعرهای ارسالی خوانندگان مجله است.

بخش «ه‌وای تازه» در معرفی شاعران برگزیده هر شماره در دو بخش کلاسیک و آزاد، نقد و بررسی کوتاهی داشته بر شعرهای رامین مظهر برگزیده بخش کلاسیک اهل کابل افغانستان و روح... آبسالان شاعر برگزیده بخش آزاد از استان ایلام.



شخصیت محوری ماجراهای این اکشن علمی-تخیلی را بازی کرد.

جورج کلونی بعد از مطالعه چند داستان باک راجرز که توسط دوست همکارش گرانت هسلاو به دستش رسید، علاقه‌مند به تولید کار تصویری جدیدی از این چهره محبوب دنیای مضحک قلمی شد. او در حالی قرار است سفری علمی-تخیلی به آینده‌ای دور داشته باشد، که تازه‌ترین ساخته سینمایی‌اش «آسمان نیمه‌شب» هم حال و هوایی علمی-تخیلی دارد. فیلم که ماه دسامبر از شبکه نتفلیکس روی اینترنت قرار گرفت، کلونی را در مقام کارگردان و بازیگر دارد و از امیدهای اصلی اسکار پیش رو به حساب می‌آید. / هالیوود ریپورتر

آینده‌ای بسیار دور قرار دارد. در جریان نبرد سنگین چند گروه محلی با یکدیگر، پای او هم وسط کشیده می‌شود و مرد مجبور به موضعگیری و شرکت در درگیری‌هاست. شخصیت راجرز در سال ۱۹۳۹ به صورت یک مجموعه کتاب مصور درآمد و محبوبیت زیادی بین کودکان و نوجوانان پیدا کرد. مدتی بعد انواع و اقسام بازی‌های راجرز سر از بازار درآورد و نمایش‌های رادیویی آن از راه رسید. یک مجموعه فیلم سینمایی هم با بازی باستر کراب در نقش راجرز تولید و اکران عمومی شد. آخرین حضور تصویری شخصیت راجرز به دهه ۷۰ میلادی برمی‌گردد. در آن زمان، شبکه تلویزیونی ان بی‌سی مجموعه‌ای زنده با نام «باک راجرز» تولید و پخش کرد. گیل ژرارد نقش